

تحلیلی بر لفاظی‌های اخیر دشمنان ملت ایران

این دیوار سفت است!

سر مقاله

رئیس جمهور آمریکا در دیدار دوشنبه شب با نخست وزیر رژیم صهیونیستی بار دیگر تهدیداتی را علیه ایران مطرح کرد. البته این نخستین بار نیست که پس از جنگ ۱۲ روزه ترامپ زبان به تهدید می گشاید. این تهدیدات را می توان و باید از چند منظر مورد تحلیل و بررسی قرار داد. نیروهای مسلح کشورمان حتی در صورت عدم وجود تهدید علنی، در هوشیاری کامل به سر برده و با استفاده از تجربیات جنگ ۱۲ روزه به بار خود مشغول هستند. اموری که نیاز به صحبت درباره جزئیات آن نیست. رفتارشناسی دشمن نشان داده است در فریبکاری، خباثت و جنایت هیچ حد و مرزی نمی شناسد و عقل و تدبیر حکم می کند نیروهای نظامی و مدافعان وطن، در برابر چنین دشمنی باید هر سناریویی را در نظر گرفته و برای مواجهه با آن برنامه داشته باشند، که چنین نیز هست.

منظری دیگر باید این تهدیدات را در ادامه سیاست
دلبرمانا بانه دولت آمریکا دید. سیاستی که سعی دارد
افضا سازی، عملیات روانی و رسانه‌ای و مواضع تند و
هید آمیز سایه جنگ را بر سر کشور سنگین کرده و از
این طریق بر افکار عمومی و حتی شرایط روانی اقتصاد
کشور اثر بگذارد.

ماریکا به همراه سگ دست آموز خود در منطقه، شش ماه پیش کارت نظامی گری را وارد کردند و به دیوار سفت سخی خوردند. آنها اینک بهتر از هر کسی این واقعیت را دانسته اقدام نظامی برای آنان هزینه سنگینی وارد و به دلایل مختلف که خارج از موضوع این نوشتار است، هزینه حماقت بعدی قابل مقایسه با حماقت پیشین نیست.

نیات حاکمه آمریکا اگر از اندک عقل و تدبیری برخوردار بود باید می‌دانست که با ملت ایران نمی‌تواند و نباید از زبان زور و تهدید سخن بگوید. این تهدیدات پیش و بیش از هر چیز ماهیت و اهداف واقعی واشنگتن را آشکار می‌کند و آتش زدن به تمام ادعاهای دروغینی است که طی چند دهه سعی کردند به افکار عمومی قالب و شمنی خود با مردم ایران را پشت شامورتی بازی‌هایی همچون حقوق بشر و حمایت از آزادی بیان و زنان و مثال‌هم پنهان کنند.

بمانظور که مسئولان ارشد کشور، یک صادر پاسخ به
این تهدیدات اعلام کردند که تجاوز، پاسخی شدیدتر از
بهبل خواهد داشت، مردم نیز هراسی از چنین لفاظی‌هایی
ندارند و تنها نتیجه این گنده‌گویی‌ها، افزایش و تعمیق
فترت از این جرثومه‌های جنایت است. طرح چنین
سخنانی در شرایط فعلی بیش از هر چیز نشان‌دهنده
حماقت دشمنان مردم شریف ایران است.

بین تهدیدات ابلهانه و بی‌شرمانه، سویه دیگری نیز دارد که نباید از آن غافل شد؛ مادر دنیای زندگی می‌کنیم که ملی‌رغم همه پیشرفت‌ها و ادعاها بیشتر شبیه جنگل است. قوی بودن و قوی‌تر شدن در چنین جنگلی یک انتخاب نیست، لازمه بقاست. ■

﴿﴾ الله اكبر! این صدای ملت ایران است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، هر شلیکی که انجام می دهید، دعای ما همراه شلیک ها و بدرقه شما و موشک هاست. شما از خود ما مردم هستید. اگر شما مقاومت می کنید، بدانید ما هم در کنار شما مقاومت می کنیم.

بدانید شما پیروز هستید و خدا همراه شماست. هر موشکی که شلیک می کنید،

بدانید خدا همراه شماست و شما را نگاه می کند. ما برای شما دعا می کنیم؛ برای سلامتی و پیروزی شما.

خسته نشوید، ترسید و کم نیاورید. بدانید که ما هوای شما را داریم. نگران ما نباشید؛ ما اینجا سنگر خودمان را حفظ خواهیم کرد. شما هم سنگر جمهوری اسلامی ایران را حفظ کنید. خدا همراه شما و پشتیبان شما باشد. إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَهِدِين.

پیام صوتی
یک هموطن ایرانی
خطاب به نیروهای
مسلح ایران

این صدا رحلت اپرا است

روایت

نیمہ ایران

📖 یک لحظه تاریخی! این تیتیر گزارش یکی از رسانه‌های صهیونیست از کابینه امنیتی رژیم در روز پنجم بهار ۱۳۵۷ قبل از حمله به ایران است. از نظر نتانیاهو یک فرصت تاریخی برای شکستن کمر ایران پیش آمده بود.

این رسانهٔ شهیونیستی در گزارشش صریحاً می‌نویسد هر چند فروپاشی نظام علناً بعنوان هدف جنگ اعلام نشده بود اما مکالمات اعضای کابینه روشن می‌کند اسرائیل به دنبال بی‌ثبات کردن و فروپاشی بوده. در بخش دیگری از گزارش که مربوط به جلسهٔ کابینهٔ رژیم در روز شنبه روز دوم جنگ است نتانیاهو می‌گوید: اولویت اصلی، انهدام انبارهای سوخت در تهران و ترور مقامات عالی ایرانی است.

از جلسه شنبه تا جلسه دوشنبه فقط یک روز فاصله بود. حسب اعلام یامیز اسرائیل از دوشنبه لحن نظامی‌های رژیم تغییر کرد و آنها در پی ترغیب کابینه برای پایان به جنگ بودند. نتانیا‌هور واکنش به این موضوع خشمگین شده و گفته بود: «اصحبت درمورد پایان جنگ را متوقف کنید. کارمان را تمام نکرده‌ایم!» ضربات دقیق و کوشنده ایران در نیمه دوم جنگ اثبات کرد که نظامی‌های رژیم درست پیش بینی کرده بودند. نیمه دوم تبدیل به نیمه ایران شده بود. ادامه همین روند بود که رژیم را به درخواست آتش بس رساند.

قاب

شهادت و سربلندی

مراسم ششمین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس با همکاری هیأت حشد الشعبی و با شعار ((الشهادة والسيادة)) (شهادت و سریلندی) در نجف اشرف برگزار شد.



نویسنده: فرزندان ایران

رضایت مادر

زن روی صندلی کوچکی کنار مزار نشست و به سنج سفید قبر زل زده است. می‌گوید: «۲۷ سال پیش شهرری بودیم که محمد به دنیا آمد. محمد علی فرزند اولم بود؛ من حس مادری را با تولد او تجربه کردم. رشته دانشگاهی‌اش کامپیوتر بود. اول می‌خواست طلبه بشود، اما وارد سپاه شد. خیلی فداکار از خود گذشته بود؛ آرام و صبور. اهل شیطنت و اذیت نبود. حتی با بچه‌های هم‌سن و سال خودش هم مهربان بود. خوش اخلاق و خنده‌رو بود؛ در هر حالی باهاش شوخی می‌کردند، با لبخند و خوش‌رویی جواب می‌داد. از هیچ‌کس توقع نداشت کاری برایش انجام بدهد، اما خودش به همه کمک می‌کرد.» زن در بطنی گلاب باز می‌کند و روی سنگ قبر می‌ریزد و می‌گوید: «از همان بچگی به فعالیت‌های مذهبی، راه‌اندازی دسته‌های عزاداری محرم و پخت نذری علاقه خاصی داشت. اربعین توی موکب‌ها کمک می‌کرد؛ از سائز دادن پای زائران تا واکس زدن کفش‌ها. روز دوم تیرماه، وقتی سازمان بسیج را زدند، به شهادت رسید. قطعه ۴۲ بهشت زهرا بعد از گاه دیدار مانده است.» مادر سرش را به پیکر کفن‌پوشی سرش، محمد علی عزیزده، نزدیک می‌کند و آرام می‌گوید: «(من زرت راضی‌ام، تو هم از من راضی باش.)»

سیدہ اعظم الشریعہ موسوی